

Correlation between Attachment Styles and Early Maladaptive Schemas in Students

Seyed Davood Mohammadi^{1*}, Gholam Hossein Nouruzinejad¹, Parvin Rahmatinejad², ValliAllah Akbari¹

¹Department of Psychiatry,
Qom University of Medical
Sciences, Qom, Iran.

²Sahamieh Psychiatric
Hospital, Qom University of
Medical Sciences, Qom,
Iran.

*Corresponding Author:
Seyed Davood Mohammadi,
Department of Psychiatry,
Qom University of Medical
Sciences, Qom, Iran.

Email:
mohammadi.sd@gmail.com

Received: 6 Aug, 2016

Accepted: 2 Oct, 2016

Abstract

Background and Objectives: The mentality of individuals consists of schemas that include memories, problem-solving methods, mental and verbal imagery, and is a coherent system consisting of cognitive, emotional, and behavioral components. This study was performed aiming at investigating and comparison of correlation between early maladaptive schemas and attachment styles in male and female university students.

Method: This study was conducted as a descriptive correlational study on the students of Qom University of Medical Sciences. A total of 120 students (60 males and 60 females), were selected using convenience sampling method. Research tools included Young Schema Questionnaire-Short Form and Collins and Read Attachment Styles Questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and independent t-test.

Results: The participants of both genders obtained the highest score in ambivalent attachment style, whereas there was no difference between the two genders in attachment styles. Insufficient self-control/self-discipline was the only schema that was different between the two genders ($p=0.025$). There was a significant correlation between ambivalent and avoidant attachment style and all domains of early maladaptive schemas. Also, there was a significant positive correlation between secure attachment style and the strict schema in females.

Conclusion: Based on the results of this study, there was a significant correlation between insecure attachment style (ambivalent and avoidant) and most of the early maladaptive schemas.

Keywords: Psychology; Attachment styles; Early maladaptive schemas; Students, Medical; Qom, Iran.

همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان

سید داود محمدی^{۱*}، غلامحسین نوروزی نژاد^۱، پروین رحمتی نژاد^۲، ولی‌الله اکبری^۱

چکیده

زمینه و هدف: ذهنیت افراد از طرحواره‌هایی (Schema) تشکیل شده‌اند که دربرگیرنده خاطرات، شیوه‌های حل مسئله، تصاویر ذهنی و شفاهی بوده و سیستم منسجمی از مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، هیجانی و رفتاری را شامل می‌شوند. این مطالعه با هدف بررسی و مقایسه همبستگی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی در دانشجویان دختر و پسر انجام شد.

روش بررسی: این مطالعه به روش توصیفی از نوع همبستگی، بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم انجام گرفت. ۱۲۰ دانشجو (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ و پرسشنامه ویرایش شده سبک دلبستگی Collins and Read بود. داده‌ها با استفاده ضریب همبستگی پیرسون و تی مستقل تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: شرکت کنندگان هر دو جنس در سبک دلبستگی دوسوگرا، بیشترین نمره را به دست آوردند؛ درحالی‌که هیچ تفاوتی بین دو جنس از نظر سبک دلبستگی وجود نداشت. طرحواره خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی تنها طرحواره دارای تفاوت معنی‌دار در هر دو جنس بود ($p=0/025$). بین سبک دلبستگی دوسوگرا، اجتنابی و تمامی حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار، همبستگی معنی‌داری مشاهده شد. همچنین بین سبک دلبستگی ایمن با طرحواره سخت‌گیرانه در دختران، همبستگی مثبت معنی‌داری وجود داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این مطالعه، بین سبک دلبستگی ناایمن (دوسوگرا و اجتنابی) و اغلب طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همبستگی وجود دارد.

کلید واژه‌ها: روانشناسی؛ سبک دلبستگی؛ طرحواره‌های ناسازگار اولیه؛ دانشجویان پزشکی؛ قم، ایران.

گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

^۲بیمارستان اعصاب و روان سهامیه، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.

* نویسنده مسئول مکاتبات:

سید داود محمدی، گروه روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران؛

آدرس پست الکترونیکی:

mohammadi.sd@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۵/۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۱۰

لطفاً به این مقاله به صورت زیر استناد نمایید:

Alizadeh Behbahani B, Tabatabaei Yazdi F, Shahidi F, Mortazavi SA, Mohebbi M. Investigation of chemical compounds and antibacterial activity of tarragon (*Artemisia dracuncululus*) essential oil on some pathogenic bacteria in vitro. Qom Univ Med Sci J 2017;11(9):42-51. [Full Text in Persian]

مقدمه

طبق دیدگاه بک، ذهنیت افراد از طرحواره‌هایی (Schema) تشکیل شده‌اند که دربرگیرنده خاطرات، شیوه‌های حل مسئله، تصاویر ذهنی و شفاهی بوده و سیستم منسجمی از مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، هیجانی و رفتاری را شامل می‌شوند (۱). یکی از نظریه‌های مطرح در عرصه طرحواره‌ها، نظریه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (Yang) است. به‌طور کلی گفته می‌شود طرحواره‌های ناسازگار اولیه (Early maladaptive schemas) الگوی هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته و در مسیر زندگی تکرار و تثبیت شده و تا حد زیادی کارکردی نامناسب دارند (۲).

یانگ معتقد بود طرحواره‌های ناکارآمد به دلیل ارضا نشدن پنج نیاز هیجانی اساسی، از جمله نیاز به دلبستگی ایمن در دوران کودکی به وجود می‌آیند. چنانچه والدین، به‌خصوص مادر در ایجاد دلبستگی ایمن در حد بهینه و مطلوب عمل نکنند کودک مستعد ایجاد طرحواره‌های ناکارآمد اولیه در یک یا چند حوزه تحولی می‌شود (۳). به نظر Bowlby رابطه ناایمن موجب بی‌اعتمادی، مشکل در هماهنگی، حساس بودن و ناراضی‌تبی هیجانی در روابط عاشقانه می‌شود. همچنین روابط دلبستگی نقش بسیار مهمی در احساس امنیت افراد بازی می‌کند. برای کودکان دلبستگی ابتدا با والدین و در سنین بزرگسالی با یک زوج یا شریک برقرار می‌شود (۴). همچنین او معتقد بود انسان‌ها برای برقراری تعادلی پویا بین آشنایی و ماجراجویی برانگیخته می‌شوند. به زبان پیاژه‌ای، حفظ تعادل بین درون‌سازی و برون‌سازی، هدف اولیه از برانگیختگی افراد است، درحالی‌که طرحواره‌های ناسازگار اولیه این تعادل را برهم می‌زنند. آنها به جای اینکه اطلاعات جدید را به شیوه‌ای درون‌سازی کنند که طرحواره و تحریف‌هایشان را تأیید نکند، شواهد جدید را نادیده می‌گیرند و در نتیجه طرحواره‌هایشان همچنان دست نخورده و بدون تغییر باقی می‌ماند (۵).

مطالعات صورت گرفته شواهد مهمی در ارتباط با همبستگی قوی و مستحکم بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های شناختی ارائه داده‌اند. برای مثال در پژوهشی که توسط اندوز و حمیدپور با هدف بررسی همبستگی بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه،

سبک دلبستگی و رضایت از زندگی زناشویی در زوجین انجام شد، نتایج نشان داد هرچه طرحواره‌های اولیه، ناسازگارتر باشند رضایت زناشویی کاهش می‌یابد. همچنین در این پژوهش سبک دلبستگی ایمن با طرحواره‌های سازگار، ارتباط معنی‌داری نشان داد (۶). در مطالعه‌ای که با هدف بررسی طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی دانشجویان دارای تصویر بدنی (Body Image) مختل و مقایسه آن با دانشجویان بهنجار انجام گرفت، مشخص گردید دانشجویان دارای تصویر بدنی مختل در مقایسه با دانشجویان بهنجار به‌طور معنی‌دار میانگین نمرات بیشتری در طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی اضطرابی نسبت به سبک‌های دلبستگی ایمن به دست آورده‌اند (۷).

Mans و همکاران نیز به این نتیجه رسیدند که همبستگی بین اضطراب دلبستگی و آسیب‌شناسی روانی به‌گونه‌ای کامل به‌وسیله شناخت‌ها، به‌ویژه بریدگی/طرد (Disconnection-rejection) و خودجهت‌دهی، میانجی می‌شود. در این پژوهش مشخص گردید همبستگی بین اجتناب دلبستگی و آسیب‌شناسی روانی تا حدی به‌وسیله شناخت‌ها از جمله بریدگی و طرد، میانجی می‌شود (۸). پژوهش Wearden و همکاران نشان داد بین سبک دلبستگی اجتنابی و طرحواره‌های حوزه بریدگی - طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت مختل، گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و دلبستگی اجتنابی، بیشترین ارتباط را با طرحواره‌های حوزه بریدگی/طرد دارد (۹).

با توجه به مطالب فوق و اهمیتی که سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌ها در زندگی و روابط فردی، اجتماعی، خانوادگی و شغلی افراد دارند و نیز از آنجایی که این مفاهیم از ابعاد مهم شخصیتی افراد شناخته شده و می‌توانند تأثیر بسیار زیادی در موفقیت یا شکست در روابط بین‌فردی و اجتماعی ایفا کنند، این پژوهش با هدف بررسی و مقایسه همبستگی بین انواع سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان به تفکیک جنسیت صورت گرفت.

روش بررسی

این پژوهش به روش توصیفی از نوع همبستگی، بر روی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی قم انجام شد. براساس امکانات محققین، تعداد ۱۲۰ دانشجو (۶۰ دختر و ۶۰ پسر) مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی قم (با میانگین سنی $19/59 \pm 8/95$ سال) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پس از تشریح هدف پژوهش، جلب مشارکت شرکت‌کنندگان و اخذ رضایت آگاهانه، از آنها خواسته شد تا به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دهند. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه سبک دلبستگی Read, Collins و طرحواره‌های ناسازگار اولیه Yang استفاده شد.

مقیاس تجدیدنظرشده دلبستگی

(Revised Adult Attachment Scale, Collins & Read): این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خودتوصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ داده می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) از: به هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد (۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد (۵)، تشکیل می‌شود (۱۰). این مقیاس سبک دلبستگی را در ۳ سطح ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا ارزیابی می‌کند. Read و Collins در مطالعه خود، آلفای کرونباخ را بیش از ۰/۸۰ برآورد کردند که نشان می‌دهد آزمون از اعتبار بالایی برخوردار است (۱۰). در پژوهش پاکدامن، میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص گردید. نتایج حاصل از ۲ بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک‌ماه از یکدیگر در بین دانش‌آموزان دبیرستانی، بیان‌کننده آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است (۱۰).

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ: پرسشنامه طرحواره

یانگ توسط Yang طراحی شده است.

این پرسشنامه یک ابزار خودگزارشی و شش درجه‌ای لیکرت به‌منظور ارزیابی طرحواره‌ها می‌باشد. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه ۷۵ سؤالی استفاده گردید.

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ از ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است. این طرحواره‌ها عبارتند از: محرومیت

هیجانی، طرد/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی/بیگانگی، نقص/شرم Defectiveness، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی Dependency-Subjugation، آسیب‌پذیری نسبت به بیماری، خودتحوّل‌نیافته/گرفتار، اطاعت، فداکاری، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه Unrelenting Standards/بیش‌انتقادی، استحقاق/بزرگ‌منشی و خودکنترلی ناکافی.

پایایی و روایی این ابزار در پژوهش‌های متعددی به اثبات رسیده است. در مطالعه‌ای که به‌منظور تعیین پایایی و قدرت تمایز این پرسشنامه در جامعه هلند انجام شد، نتایج ضریب پایایی دو نیمه بین ۰/۸۷-۰/۶۸ و ضریب بازآزمایی به فاصله ۶ هفته، ۰/۸۳ بود (۱۱). در ایران، آهی با اجرای فرم کوتاه پرسشنامه یانگ در دانشجویان دانشگاه‌های تهران، ضرایب پایایی را در دامنه‌ای بین ۰/۹۰-۰/۷۱ گزارش کرد که نشان‌دهنده همسانی درونی بالا برای ۱۲ خرده‌مقیاس (از ۱۵ خرده‌مقیاس فرض شده توسط Yang) این پرسشنامه می‌باشد (۱۲).

داده‌ها با کمک نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰، و از طریق شاخص‌های آمار توصیفی و استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

در این مطالعه هر دو جنس بیشترین نمره را در سبک دلبستگی دوسوگرا کسب کردند. همچنین بین دو جنس در هیچ‌یک از سبک‌های دلبستگی، تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. البته شایان ذکر است تفاوت دو جنس در سبک اجتنابی، به آستانه معنی‌داری آماری نزدیک بود (۰/۰۶۱) (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: نتیجه تحلیل تی تست مستقل بین دو جنس از نظر سبک‌های دلبستگی

سبک‌های دلبستگی	جنس	تعداد	میانگین \pm انحراف معیار	t	سطح معنی داری
ایمن	پسر	۶۰	۱۱/۹ \pm ۲/۶	-۰/۲	۰/۸۳۹
	دختر	۶۰	۱۲/۰ \pm ۲/۶		
اجتنابی	پسر	۶۰	۱۱/۰ \pm ۳/۲	۱/۸	۰/۰۶۱
	دختر	۶۰	۹/۹ \pm ۲/۲		
دوسوگرا	پسر	۶۰	۱۵/۱ \pm ۴/۹	۰/۲	۰/۷۷۵
	دختر	۶۰	۱۴/۸ \pm ۵/۸		

با توجه به نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون، از میان طرحواره‌های حوزه بریدگی/طرد در هر دو جنس، طرحواره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، نقص و شرم، همبستگی مثبت معنی‌دار با سبک دلبستگی دوسوگرا داشتند. در دانشجویان دختر طرحواره‌های رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، نقص و شرم دارای همبستگی مثبت معنی‌دار با سبک دلبستگی اجتنابی بودند. در بین طرحواره‌های حوزه بریدگی/طرد، همبستگی معنی‌داری بین هیچ‌یک از طرحواره‌ها و سبک دلبستگی ایمن در دو جنس مشاهده نشد (جدول شماره ۲).

تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد به‌طور کلی در میان طرحواره‌های شناختی، بیشترین نمره در دانشجویان پسر مربوط به طرحواره ایثار (با میانگین $17/93 \pm 4/87$) و در دانشجویان دختر مربوط به طرحواره معیارهای سخت‌گیرانه/عیب‌جویی افراطی (با میانگین $19/98 \pm 5/59$) بوده است. طرحواره نقص (با میانگین $7/08 \pm 2/66$) در پسران و آسیب‌پذیری در مقابل ضرر و بیماری (با میانگین $7/57 \pm 3/38$) در میان دختران، کمترین نمره را کسب کرد. همچنین براساس آزمون تی مستقل، طرحواره خویشتن‌داری/خودانضباطی ناکافی، تنها طرحواره دارای تفاوت معنی‌دار در دو جنس بود ($p=0/025$).

به‌منظور بررسی همبستگی بین انواع سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های شناختی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول شماره ۲ آورده شده است.

جدول شماره ۲: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد.

متغیرها	گروه نمونه	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا	معنی داری
		معنی داری	معنی داری	معنی داری	
محرومیت هیجانی	کل	۰/۲۹	۰/۱۱	۰/۵۶**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۶۱۴	۰/۰۷	۰/۰۵**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۳۶۲	۰/۲	۰/۶**	<۰/۰۰۱
رهاشدگی/بی‌ثباتی	کل	۰/۰۷	۰/۲۶	۰/۶۷**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۶۴۲	۰/۱	۰/۶**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۰۸۳	۰/۴**	۰/۷**	<۰/۰۰۱
بی‌اعتمادی/بدرفتاری	کل	۰/۰۶	۰/۲۷**	۰/۷۲**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۳۴۸	۰/۰۸	۰/۷**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۰۸۹	۰/۴**	۰/۷**	<۰/۰۰۱
انزوای اجتماعی	کل	۰/۵۵	۰/۰۸	۰/۲۳*	۰/۰۱
	پسر	۰/۹۹۷	۰/۰۷	۰/۲	۰/۰۶۸۰
	دختر	۰/۴۷۵	۰/۱	۰/۲	۰/۰۶۰
نقص/شرم	کل	۰/۸۴	۰/۲۰*	۰/۵۳**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۸۵۱	۰/۰۹	۰/۴**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۷۱۰	۰/۳*	۰/۵**	<۰/۰۰۱

بین تمامی طرحواره‌های حوزه خودگردانی، عملکرد مختل و سبک دلبستگی اجتنابی نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری در دختران دانشجو دیده شد. در میان طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، همبستگی معنی‌داری بین هیچ‌یک از طرحواره‌ها و سبک دلبستگی در دو جنس مشاهده نشد (جدول شماره ۳).

با توجه به نتایج، از میان طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل، بین تمامی طرحواره‌ها و سبک دلبستگی دوسوگرا در هر دو جنس همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. در پسران تنها بین طرحواره خودتحوّل نیافته/گرفتار و سبک دلبستگی اجتنابی، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت.

جدول شماره ۳: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل

طرحواره‌ها	نمونه	دلبستگی ایمن		دلبستگی اجتنابی		دلبستگی دوسوگرا	
		معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی
شکست	کل	۰/۰۹	۰/۳۲	۰/۲۲*	۰/۰۱	۰/۴۴**	<۰/۰۰۱
	پسر	-۰/۰۰۵	۰/۹۷۲	۰/۱	۰/۲۸۰	۰/۴۱**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۱	۰/۲۰۶	۰/۳۳**	۰/۰۰۸	۰/۴۶**	<۰/۰۰۱
وابستگی/بی‌کفایتی	کل	۰/۰۳	۰/۶۹	۰/۲۴**	<۰/۰۰۱	۰/۴۷**	<۰/۰۰۱
	پسر	-۰/۰۰۶	۰/۹۶۲	۰/۰۶	۰/۶۳۲	۰/۳۸**	<۰/۰۰۰۳
	دختر	۰/۰۶	۰/۶۱۰	۰/۴۴**	<۰/۰۰۱	۰/۵۴**	<۰/۰۰۱
آسیب‌پذیری در برابر ضرر و بیماری	کل	۰/۰۲	۰/۷۹	۰/۲۸**	<۰/۰۰۱	۰/۴۵**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۰۵	۰/۶۷۴	۰/۱	۰/۱۳۱	۰/۵۳**	<۰/۰۰۱
	دختر	-۰/۰۰۹	۰/۹۴۴	۰/۳۹**	۰/۰۰۲	۰/۳۹**	۰/۰۰۲
خودتحوّل نیافته/گرفتار	کل	-۰/۰۳	۰/۷۲	۰/۳۳**	<۰/۰۰۱	۰/۴۰**	<۰/۰۰۱
	پسر	-۰/۰۲	۰/۰۲۹	۰/۲۵**	۰/۰۵	۰/۳	۰/۰۰۴
	دختر	۰/۱	۰/۲۰۵	۰/۴۵**	<۰/۰۰۱	۰/۴۴**	<۰/۰۰۱

طرحواره اطاعت در دختران دانشجو، همبستگی مثبت و معنی‌داری با دلبستگی اجتنابی داشت. همچنین در بین طرحواره‌های این حوزه، همبستگی معنی‌داری با سبک دلبستگی ایمن در هیچ‌یک از دو جنس مشاهده نشد (جدول شماره ۴).

در دختران دانشجو بین طرحواره‌های ایثار و اطاعت از حوزه دیگر جهت‌مندی و سبک دلبستگی دوسوگرا، همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. در پسران دانشجو تنها طرحواره اطاعت، همبستگی مثبت و معنی‌دار با سبک دلبستگی دوسوگرا داشت.

جدول شماره ۴: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی

طرحواره‌ها	جنس	دلبستگی ایمن		دلبستگی اجتنابی		دلبستگی دوسوگرا	
		معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی
اطاعت	کل	۰/۰۲	۰/۸۱	۰/۱۹*	۰/۰۳	۰/۵۷**	<۰/۰۰۱
	پسر	-۰/۰۰۶	۰/۶۴۰	۰/۰۲	۰/۸۸۱	۰/۴۶**	<۰/۰۰۱
	دختر	۰/۱	۰/۴۴۹	۰/۳۸**	۰/۰۰۲	۰/۶۶**	<۰/۰۰۱
ایثار	کل	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱۶	۰/۰۷	۰/۲۷**	<۰/۰۰۱
	پسر	۰/۱	۰/۵۴۰	۰/۰۶	۰/۶۴۳	۰/۱	۰/۳۷۸
	دختر	۰/۱	۰/۱۵۲	۰/۲	۰/۰۵۸	۰/۳۹**	۰/۰۰۲

در حوزه گوش‌به‌زنگی و بازداری بیش از حد نیز بین طرح‌واره‌های بازداری هیجانی و معیارهای سخت‌گیرانه با سبک دل‌بستگی دوسوگرا و اجتنابی در دختران، همبستگی مثبت و معنی‌داری یافت شد؛ درحالی‌که تنها معیارهای سخت‌گیرانه با سبک دل‌بستگی اجتنابی در پسران، همبستگی مثبت و معنی‌دار داشت. معیارهای سخت‌گیرانه در دختران، همبستگی مثبت معنی‌دار با سبک دل‌بستگی ایمن داشت (جدول شماره ۵).

بین طرح‌واره‌های استحقاق/بزرگ‌منشی و خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی از حوزه محدودیت‌های مختل در پسران و طرح‌واره خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی در دختران و سبک دل‌بستگی دوسوگرا، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت. همچنین بین طرح‌واره استحقاق/بزرگ‌منشی در مردان و خویش‌داری/خودانضباطی در دختران با سبک دل‌بستگی اجتنابی، همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد.

جدول شماره ۵: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های دو حوزه محدودیت‌های مختل و گوش‌به‌زنگی بیش از حد/بازداری

طرح‌واره‌ها	نمونه	دل‌بستگی ایمن		دل‌بستگی اجتنابی		دل‌بستگی دوسوگرا	
		معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی	معنی‌داری	همبستگی
استحقاق/بزرگ‌منشی	کل	۰/۶۵	۰/۳۰**	<۰/۰۰۱	۰/۲۹**	<۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
	پسر	-۰/۰۷	۰/۵۷۲	۰/۰۰۵	۰/۳۷**	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
	دختر	۰/۱۸	۰/۱۵۰	۰/۰۲۸	۰/۲۸**	۰/۰۹	۰/۰۹
خویش‌داری	کل	۰/۳۷	۰/۲۵**	<۰/۰۰۱	۰/۳۷**	<۰/۰۰۱	۰/۳۷**
	پسر	۰/۰۲	۰/۸۶۰	۰/۲۸۱	۰/۴۳**	<۰/۰۰۱	۰/۴۳**
	دختر	۰/۱	۰/۲۸۳	<۰/۰۰۱	۰/۳۴**	<۰/۰۰۱	۰/۳۴**
بازداری هیجانی	کل	۰/۰۷	۰/۱۷	۰/۰۶	۰/۳۳**	<۰/۰۰۱	۰/۳۳**
	پسر	-۰/۱	۰/۱۹۶	۰/۶۵۶	۰/۲۶*	۰/۰۴	۰/۰۴
	دختر	-۰/۱	۰/۲۴۲	۰/۰۱	۰/۴۰**	۰/۰۰۱	۰/۴۰**
معیارهای سخت‌گیرانه	کل	۰/۵۵	۰/۳۱**	<۰/۰۰۱	۰/۳۰**	<۰/۰۰۱	۰/۳۰**
	پسر	-۰/۱	۰/۳۵۱	۰/۰۰۲	۰/۳۰**	۰/۰۲	۰/۰۲
	دختر	۰/۲۷*	۰/۰۳۱	۰/۰۲۳	۰/۲۹*	۰/۰۰۸	۰/۲۳**

بحث

به‌طورکلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که سبک دل‌بستگی دوسوگرا، بیشترین فراوانی را در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی قم داشته و هیچ تفاوتی بین دو جنس از نظر سبک‌های دل‌بستگی نبوده است. طرح‌واره‌های ناسازگار ایثار در پسران و معیارهای سخت‌گیرانه/عیب‌جویی در دختران، بیشترین نمره را در بین سایر طرح‌واره‌ها به دست آوردند. طرح‌واره خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی نیز تنها طرح‌واره دارای تفاوت معنی‌دار بین دو جنس بود. از سوی دیگر، بین اکثر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک دل‌بستگی نایمن (دوسوگرا و اجتنابی)، همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد. این یافته‌ها با نتایج به‌دست‌آمده از مطالعه Roelofs و همکاران که در پژوهش خود بین طرح‌واره‌های حوزه بریدگی، طرد و دیگر جهت‌مندی بی‌اعتمادی به والدین و بیگانگی از دوستان (به‌عنوان سبک‌های نایمن دل‌بستگی) ارتباط نشان دادند، همخوانی داشت (۱۳).

Simard و همکاران نیز نشان دادند در مقایسه با بزرگسالان دارای سبک دل‌بستگی ایمن در کودکی و بزرگسالی، بین سبک دل‌بستگی نایمن/دوسوگرا در کودکی، دل‌مشغولی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، ارتباط وجود دارد (۱۴).

در مطالعه حاضر در دختران بین تمامی طرح‌واره‌های ناسازگار بجز انزوای اجتماعی (از حوزه بریدگی/طرد) و استحقاق/بزرگ‌منشی (از حوزه محدودیت‌های مختل) و سبک دل‌بستگی دوسوگرا، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت، درحالی‌که در پسران، طرح‌واره‌های انزوای اجتماعی و ایثار از حوزه دیگر جهت‌مندی، فاقد همبستگی با دل‌بستگی دوسوگرا بودند و بین سایر طرح‌واره‌ها و سبک‌های دل‌بستگی دوسوگرا، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت. نتایج فوق با پژوهش رفیعی و همکاران همخوانی داشت. در مطالعه مذکور رفیعی و همکاران دریافتند بین سبک دل‌بستگی دوسوگرا با طرح‌واره حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، گوش‌به‌زنگی بیش از حد و

به‌خصوص دانشجویان موفق از لحاظ تحصیلی یا اجتماعی احتمالاً از معیارهای سخت‌گیرانه‌تری در تحصیل و زندگی فردی خود برخوردارند که بیشتر باعث رشد شخصی آنها در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنها می‌شود.

این پژوهش محدود به جامعه دانشجویان و دوره جوانی بود، لذا پیشنهاد می‌شود با توجه به اهمیت دوران‌های مختلف رشدی در رشد روانی افراد، این پژوهش در دوره‌های زمانی مختلف و با متغیرهای متعدد دیگر نیز انجام گیرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در مطالعه حاضر و همسویی آن با اکثر مطالعات قبلی می‌توان چنین گفت که سبک دل‌بستگی به‌عنوان یکی از ابعاد بنیادین شخصیت افراد که براساس تجارب دوران کودکی و ارتباط با مراقبین شکل می‌گیرد، می‌تواند در طول زندگی به شکل طرحواره‌های شناختی بازنمایی شود. سبک‌های دل‌بستگی ایمن که در ارتباط مناسب و مطلوب با مادر و جانشینان مادر شکل می‌گیرند، الگوهای ذهنی و عاطفی سازگاران‌ای را ایجاد خواهند کرد که در نهایت، منجر به انطباق بیشتر فرد با شرایط متغیر محیطی می‌شود. همچنین دل‌بستگی نایمن، طرحواره‌های ناسازگاران‌ای را بازنمایی می‌کند که اغلب ناشی از برآورده نشدن نیازهای هیجانی کودک در طی فرآیند تحول روانی است.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی دانشجویان و همکارانی که به ما در جمع‌آوری داده‌های این پژوهش یاری نمودند، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

بازداری در زنان، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۵). در دختران نیز همبستگی مثبت و معنی‌داری بین تمامی طرحواره‌ها بجز انزوای اجتماعی، محرومیت هیجانی، معیارهای سخت‌گیرانه و بازداری هیجانی با سبک دل‌بستگی اجتنابی مشاهده شد، درحالی‌که در پسران دانشجو تنها طرحواره خودتکامل‌نیافته/گرفتار، استحقاق/بزرگ‌منشی و معیارهای سرسختانه، دارای همبستگی مثبت با سبک دل‌بستگی اجتنابی بودند. یافته‌های فوق با نتایج حاصل از مطالعه رفیعی و همکاران که نشان دادند بین طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد، عملکرد مختل، محدودیت مختل و گوش‌به‌زنگی با سبک دل‌بستگی اجتنابی، همبستگی وجود دارد همسو بود (۱۵). تشابه بیشتر نتایج حاصل از مطالعه رفیعی و همکاران و یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر در جنس زن و تشابه کمتر با نتایج گروه مردان می‌تواند ناشی از این امر باشد که نمونه آماری مطالعه رفیعی تنها مشتمل بر زنان دارای خیانت زناشویی بوده است. همچنان‌که در مطالعه Bosman و همکاران نیز نتایج نشان داد بین طرحواره‌های حوزه بریدگی/طرد، خودگردانی، عملکرد مختل، سبک دل‌بستگی اجتنابی و طرحواره‌های حوزه دیگر جهت‌مندی، بریدگی/طرد و سبک دل‌بستگی اضطرابی، همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد (۱۶).

در دختران دانشجو بین طرحواره‌های معیارهای سخت‌گیرانه و سبک دل‌بستگی ایمن، همبستگی مثبت و معنی‌داری مشاهده شد، درحالی‌که چنین همبستگی بین هیچ‌یک از طرحواره‌ها و سبک دل‌بستگی ایمن در پسران دیده نشد. در مطالعه رفیعی (۱۵) و Roelofs (۱۷) نیز بین سبک دل‌بستگی ایمن و طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همبستگی منفی و معنی‌داری وجود داشت. یک توجیه برای چنین نتیجه‌ای می‌تواند این باشد که دختران دانشجو،

References:

1. Beck AT, Emery G. Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective. New York: Basic Books; 1985.
2. Young JE, Long L. Counselling and therapy for couples. New York: Guilford Press; 1998.
3. Young JE, Klosko JS, Weishaar ME. Schema therapy: A practitioner's guide. New York: Guilford; 2003.
4. Jill L, Michiel F, Vreeswijk A. An empirical test of schema mode conceptualizations in personality disorders. Behav Res Ther 2008;46(7):854-63.
5. Bowlby J. Attachment and loss. Loss (Vol. III). New York: Basic Books; 1980.
6. Andoos Z, Hamidpour H. Relation between early maladaptive schema, attachment style and marital satisfaction. The presented article in second conference of family pathology in Iran. Shahid Behashti University; 2005. p. 25-29. [Text in Persian]
7. Kaveh S. Psychology of unfaithfully and infidelity. Tehran: Honar Saray Andisheh; 2004. [Text in Persian]
8. Bosmans G, Braet C, Van Vlierberghe L. Attachment and symptoms of psychopathology: Early maladaptive schema as a cognitive link. Clin Psychol Psychother 2010;17(5):374-85.
9. Wearden A, Peters I, Berry K, Barrowclough Ch, Liversidge T. Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. Pers Individ Dif 2008;44(5):1246-57.
10. Pakdaman S. Relationship between attachment and society wanting in adolescents. [MSc Thesis]. Psychology. Tehran University; 2001. [Text in Persian]
11. Young JE, Kolsko J, Wissner ME. Schema therapy: Practitioners guide. New York: Guilford Press; 2003.
12. Ahi Gh, Mohammadifar M, Besharat MA. Reliability and validity of Young's schemas questionnaire (short-form). J Psychol Educ 2007;37(3):5-20. [Full Text in Persian]
13. Roelofs J, Lee C, Ruijten T, Lobbestael J. The mediating role of early maladaptive schemas in the relation between quality of attachment relationships and symptoms of depression in adolescents. Behav Cogn Psychother 2011;39(4):471-79.
14. Simard V, Moss E, Pascuzzo K. Early maladaptive schemas and child and adult attachment: A 15-year longitudinal study. Psychol Psychother Theory Res Practice 2011;84(4):349-66.
15. Rafie S, Hatami A, Foroughi AA. The relationship between early maladaptive schemas and attachment in women with extramarital sex. Q J Women Soc 2011,1(2):21-36. [Full Text in Persian]
16. Bosmans G, Braet C, Van Vlierberghe L. Attachment and symptoms of psychopathology: Early maladaptive schemas as a cognitive link. Clin Psychol Psychother 2010;17(5):374-85.
17. Roelofs J, Onckels L, Muris P. Attachment quality and psychopathological symptoms in clinically referred adolescents: The mediating role of early maladaptive schema. J Child Fam Stud 2013;22(63):377-85.